

آوازه هنر نقاشی ایرانی

در ادبیات عرب

روزی در انجمنی از قصیده ایوان مداین بحتری شاعر مدیحه سرای معروف عرب که در قرن سوم هجری میزیسته گفتگویی میرفت . یکی از دوستان نویسنده را تشویق کرد این قصیده زیبا و شیوا را بفارسی ترجمه کنم .

قصیده ایوان مداین بحتری که دارای قافیه (س) است یا بتعبیر ادبا (سینیه) است از زیباترین و شیواترین آثار ادبی قرن سوم هجری است و بگفته عبدالله بن معتن که خود در آن قرن میزیسته و شاعر وادیب هم بوده اگر بحتری قصیده ایوان مداین خود را نمیسرود در اشعار عربی در قافیه (س) شعری با این زیبایی وجود نداشت .

بحتری از مردم شام است ولی چنانکه در همین قصیده ایوان مداین خود اشاره کرده ؛ در امر اختلاف با خویشان خود بمراف میاید و بیشتر آثار ارزنده او هنگام اقامت او در عراق از مغز روشن و هوش تیز بابش ترایده است . بحتری در هنگام اقامت در عراق بزبانت ایوان مداین میسرود تا بگفته خودش آلام درویش را قدری تسکین بخشد و گردش روزگار را در نقش ایوان کسری تماشا کند و عبرت پذیرد . چنانکه محققان عرب نوشته اند این قصیده در سنه ۲۷۰ هجری قمری سروده شده است .

باری نویسنده تصمیم گرفتم ابیاتی از قصیده را ترجمه کنم که دارای سود تاریخی است و جنبه ادبی صرف ندارد . ترجمه این ابیات برای کسانی که در تاریخ تمدن ایران در عصر ساسانی پژوهش میکنند بسیار ارجدار است . برای تأیید آنچه بحتری در این باره گفته شعر - هایی از حسن بن هانی اهوازی معروف با بی نواس که تا پنجاه سال قبل از بحتری میزیسته و روایت بحتری تأیید میکند نیز برگزیده و ترجمه کرده ام که خواننده در صفحه های آینده آنها را خواهد خواند .

باید پیش از آوردن ترجمه شعرهای مذکور بعنوان مقدمه سخن بگویم : فن نقاشی که امروز نیز یکی از هنرهای بسیار ارزنده بشمار میاید و اختراع دستگاه عکاسی و پیشرفت فن عکس برداری نتوانسته است از ارزش آن چیزی کم کند ، در ایران از روزگاران بسیار کهن پیشینه دارد . تصاویر تخت جمشید و نقش رستم و نقش رجب و طاقستان همگی نماینده آنست که از عصر هخامنشی تا پایان عصر ساسانی در ایران به هنر نقاشی خواه بتصویرهایی که بر سینه کوزهها نوشته باین پارچه ها و فرشها و پرده ها ، و خواه بر بشقابها و پیاله ها و تنگها و خواء بر صفحه های کاغذ یا

دیوار کاخها بدستاری قلم و رنگهای گوناگون می کشیده اند، بمدارج کمال بالا رفته بوده است. تصاویری را که بر سینه کوهها و دل غارها نقش میکرده اند، بارنگهای گوناگون رنگ آمیزی میکردند و آثار این رنگ آمیزها هنوز پس از هزار سال در طاقستان اینجا و آنجا بچشم میخورد.

علاوه بر آثاری که بآنها اشاره شد، از خیلی قدیم در ایران رایج بوده است که بر دیوار درونی کاخهای شاهی صفحه های مسین و زرین و سیمین نصب میکردند و بر روی آنها مناظر شکار-گاهها و میدانهای بزرگ جنگهای میهنی را که موجب افتخار ارتش ایران بود مینگاریدند تا آیندگان از تماشای آنها دلگرم شوند و روح فداکاری در راهس افزای ایران در نهادشان تابیدن گیرد. در حقیقت هر یک از این صفحه ها تا بلوی نقاشی زیبایی بود که شکارگاه یا منظره میدان جنگ بزرگی را نمایش میداد.

این رسم منحصر بعصر هخامنشی یا ساسانی نبوده بلکه دیوار درونی کاخهای شاهی عصر اشکانی نیز بچنین تصویرهایی مزین بوده و همین نکته نشان میدهد که نقاشی در عصر اشکانی نیز رواج بسیاری داشته است. دلیل این سخن روایت نویسنده رومی است که خود کاخهای اشکانی را دیده و در کتابش باین پرده های نقاشی اشاره میکند. برای مزید آگاهی خواننده ترجمه روایت این نویسنده را از کتاب ایران نامه صفحه ۲۰۶ تألیف استاد عباس شوشتری (مهرین) نقل میکنم. پیش از نقل این ترجمه بجا است تذکر دهم، چون تحصیلات و مطالعات استاد مهرین بزبان انگلیسی بوده از اینرو ایشان در همه نوشته های خود شکل اعلام را اعم از جغرافیایی یا نام اشخاص بشکل تلفظ انگلیسی آنها یاد داشت میکنند. استاد مهرین نوشته اند:

«فیلس ترافوس که همعصر شهنشاهان اشکانی بود توصیف قصر شاهی اشکانی را که در بابل داشتند چنین نموده که سقف قصر بالواح مفرغ مزین والواح را چنان صیقل و صاف و شفاف نموده بوده اند که میدرخشیدند.»

دیوار اطاقهای اندرون بقالب سیمین و زرین گرفته بود، و چنان آراسته بودند که نگار خانه ای شده بود. مانند کاخهای هخامنشی دیوار را بانواع تصاویر و نقشها زینت داده بودند. امتیازی که با سلیقه هخامنشی داشتند این بود که هخامنشی صورت ایزدان ایرانی و برخی از ارباب انواع بابل را بر دیوار مینگاریدند اما اشکانیان گذشته از ایزدان تصویر پهلوانان افسانه ای یونان را میافزودند من جمله (اندرومیده) و (اورفیوس) و غیره بودند. در جایی صورت (داتس) کشیده شده بود که (ناکوس) را میکشد. از فهرمانان ایران تصویر (ارتدفورن) را کشیده بودند که شهر (ارتیریه) را محاصره کرده و تفصیلی از سگذشت و کارهای خشایارشا نقش کرده بودند. چون تسخیر (ترمالپله) و شهر (آتمنز) و برگردانیدن مجرای دجله و ساختن پل بر روی بغاز (داردنل) و کندن جومیان (اتس) و غیره و غیره...»

اگر خواننده بخواهد آگاهیهای بیشتری درباره کارهای خشایارشا که موضوع پرده های نقاشی کاخ پادشاهی اشکانی بوده است بدست بیاورد بکتاب تاریخ ایران باستان تألیف مرحوم مشیرالدوله مراجعه کند. نکته ای که بجا است در اینجا اضافه شود آنست: برخلاف آنچه تاریخ نویسان یونانی کوشیده اند لشکر کتی خشایارشا را بیونان بصورت شکستی قلمداد کنند، نتیجه این جنگها جز آن بوده که آنان و انمود کرده اند. زیرا هیچ معقول نیست ملتی نقش میدان جنگی را که در آن شکست خورده و سرافکننده شده است زین ایوان کاخ شاهی کند و خاطره شکست و تلخ گاهی رازنده نگه دارد.

باری این رسم که تصویر میدانهای جنگهای بزرگ را بر دیوار کاخهای شاهی مینگاشتند تا عصر ساسانی کاملاً رایج بوده است. و نقشی که بهجتری شاعر قحطانی نژاد عرب در قرن سوم هجری بر دیوار کاخ هداین دیده و انگیزه سرودن قصیده (سینیه) اوشده، میدان جنگ انتا کیه را در

عصر خسرو اول انوشروان نشان میداده است .

برای اینکه معنی شعرهایی که ترجمه شده بهتر روشن باشد ، اجازه دهید بگویم : خسرو اول ملقب بانوشروان درسال ۵۴۰ میلادی هجوم سختی برمتصرفات روم درآسیای غربی برد و شهرانتاکیه را که درآن زمان پایتخت شام بود بگشاد و باغنائم بسیار پس از متار که جنگ بایران بازگشت . دراین لشکرکشی خود پادشاه فرماندهی سپاه را بعهده داشته است از این جنگ تصویری بردیواره ایوان مداین بوده که بحتری آنرا دیده و درقصیده خود این تصویر را وصف کرده است . بسا از میدانهای جنگ لشکرکشی دوم و سوم خسرو اول بروم ، باز تصویرهایی بر دیوارها نقش بوده است .

پرده ای که شاعر وصف میکند میدان جنگ ایران و روم است درکنار شهرانتاکیه . شعرهایی که برای ترجمه برگزیده ام با شماره مشخص گردیده است و آنها را یکجا یادداشت میکنم . پس ترجمه هر یک از آنها را نیز با قید همان شماره پیایی میآورم . اینک شرح تصویر را از زبان بحتری بشنوید :

۱- مطلع صبت نفسی عما یدنس نفسی و ترفعت عن جدا کل جیس
بحتری پس از بیان تالعات درونی که انگیزه سفر او برای دیدار ایوان مداین شده افزوده است ،

- | | |
|---------------------------------|----------------------------|
| ۲- فکان الجرما زمین عدم الانه | س و اخلاله بنیه رهس |
| ۳- لوتسراه علمت ان اللالی | جملت فیه ماتما بعد عرس |
| ۴- وهو تنمیک من عجائب قوم | لایشاب الیمنان فیهم بلبس |
| ۵- و اذا مارایت صورة الظا | کیه، ار تعت بین روم و فرس |
| ۶- و المنایسا موائل ، و انوش | وان تزجی الصفوف تحت الدرفس |
| ۷- فی اخضرار من اللباس علی اصفه | فر یختال فی صبیغه ورس |
| ۸- و عراقک الرجال بین یدیه | فی خفوت منهم و اغماض جرس |
| ۹- تصف العین انهم جد احیا | ع لهسم اشاره خرس |

معنی فارسی شعرها بترتیب چنین است .

- ۱- من خویش را از پلیدی بدو داشته ام و از هر آلودگی برتر هستم .
- ۲- کاخ جرماز از آنکه علت آمدن خود را بزیارت مداین و آلام درویش را شرح میدهد افزوده ، جرماز معرب نام یکی از کاخهای ساسانی است که امروز اثری از آن بازنمانده اما در عصر بحتوی (قرن سوم) وجود داشته است . لفظ جرماز را از ریشه (گرم) و پوند (از) دانسته اند بمعنی (گرمگیر)
- ۳- اگر بر آن بفکری خواهی گفت روزگار پس از عروسی در آن ماتمی بر پا کرده است .
- ۴- این کاخ از شکفت کاریهای ملتی خبر میدهد و همین بنا در شکفت کاریشان جای شک باقی نمیگذارد .

بحتری پس از چند بیت بتوصیف پرده نقاشی که میدان جنگ انتاکیه را نشان میداده پرداخته است که ما آنها را برای ترجمه برگزیده ام .

- ۵- هرگاه بردیوار کاخ به تصویر انتاکیه نظر افکنی خود را در میدان جنگ ایران و روم می بینی .
- ۶- آنجا که مرک فرو میبارد و انوشیروان زیر درفش کویان صفوف جنگی را میآراید .
- ۷- انوشروان جامه ای سبز بتن دارد و بر تکاور زردی سوار است که گویی در آب گل رنگ آبتنی کرده .

- ۸- در پیشروی او مردان جنگی در سکوت محض فرورفته‌اند.
- ۹- بیننده چنین گمان می‌کند که اینان برآستی زنده‌اند اما مانند مردمان گنگ با -
 اشاره سخن می‌گویند .
- قصیده ایوان مداین بختری از شاهکارهای ادبیات عرب است و چه خوب است که مجله مهر ترجمه این قصیده را بشعر فارسی بمسابقه بگذارد و برای کسی که بهترین ترجمه شعری را سروده جایزه‌ای تعیین کند .
- نقاشی بر روی جامهای زرین و سیمین و گاهی گوهر نشان کردن آنها در عصر ساسانی رواج داشته است . و جامهایی از آن زمان باقی مانده است مانند جام موزه ارمیتاژ لنینگراد و بشقاب موزه پاریس ، حسن بن‌هایی اهوازی معروف بابونواس که در آغازهای سده سوم هجری در گذشته در چند جا در شعرهای خود باینگونه پیالها اشاره کرده است .
- ابونواس از شاعرانی است که در شعر و ادبیات عرب تجدید کرده بلکه وی پیشتر از طبقه نواندیشان (محدثین) در شعر عربی است . ابونواس در قطعه‌ای که در توصیف بزم خود در قیقا نش در یک میخانه سروده از جمله گفته است :
- تدار علينا الراح في عسجدیه
 حبتها بالوان التصاویر فارس
 یعنی : شراب در پیاله زرینی میان ما میگردید که ایرانیان آنرا بشصویرهای زیبا آراسته بودند سپس از نقشهای پیاله چنین یاد میکند :
- قاراتها کسری و فی جنباتها
 مها تدریها بانفسی الفوارس
 یعنی : در ته آن صورت خسرو بود و در پیرامون آن گوزنانی که سواران بانیر و کمان آنها را تعقیب میکردند. همین شاعر در جای دیگر در وصف جامی گفته :
- مصورة بصورة چند کسری
 و کسری فی قرار الطرحه سار
 یعنی : بر جام تصویر سپاه خرد نقش بود و در ته جام نقش خود او .
- در عصر ساسانی صنعت پارچه بافی در ایران خیلی مترقی بوده و این یکی از موضوعاتی است که در خور بررسی و پژوهش است .
- در کارخانه‌های دولتی پارچه بافی که نام آنها بمربی (بیت الطرار) ترجمه شده است با تارهای سیمین و زرین و ابریشم رنگارنگ بر پارچه‌ها نقشهای بدیع پدید میاورده‌اند ، ابونواس زیبایی دلدار خود را چنین بیان میکند .
- فلوراء هیا انوشروان صوره
 فیما یحوک من الدیماج والسرق
 یعنی : اگر انوشروان او را میدید فرمان میداد بر دیباها و دستمال سرهایی که میبافند نقش او را بکشند .
- در پایان این گفتار بجا است اضافه کنم که در عصر ساسانی ، هنر نقاشی بر روی کاغذ بدستیاری خامه و رنگهای گوناگون رایج بوده است هر چند تا آنجا نویسنده آگاهی دارم نمونه‌ای از این گونه هنر در دست نداریم .
- دلیل این ادعا کتابی است که تا قرن چهارم هجری نسخه‌هایی از آن موجود بوده و حمزه - بن حسن اصفهانی و علی بن حسین مسعودی آنرا دیده و از آن مطالبی نقل کرده‌اند . نویسنده نخستین نام کتاب را « صورملوک بنی‌ساسان » یاد میکند و مسعودی نام آنرا « صورملوک القریس » قید کرده که هر دو جمله ترجمه‌ای از نام اصلی کتاب است .
- مسعودی که در سال ۳۰۳ هجری نسخه‌ای از کتاب را نزد بزرگان ایرانی دیده است میگوید در آن کتاب تصویر ۲۷ پادشاه ازدودمان ساسانی ، ۲۵ مرد و درزن نقش بود و از تصویرها و رنگ آمیزیها و کاغذ کتاب ستایش فراوان میکند .